

سال دوم - دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۵۵ ریال

میشدند و پرچم‌های سرخ حمل میکردند، چندین ساعت با پلیس و نیروهای امنیتی که بشکلی دیوانه‌واری بسیج شده بودند، می جنگیدند و آن کارگران حتی به سرسخت‌ترین جلادان تزاری نشان دادند که مبارزه‌شان واقعی است، و این با پلیس نه با یک مشت عناصری که حادثه‌ی - اهمیت اسلاوفیل (۱) را بوجود آوردند، بلکه در حقیقت با توده‌های بیچاره طبقه کارگر پایتخت، روبرو است.

این یک درخشش واقعی و نظا هر عربی‌ان آرمانهای انقلابی پرولتاریا بود، نظا هر آشکار نیروهای انقلابی او که توسط نسلهای جدید، فولادین و مستحکم گردیده است، تبارزی آنکار از دعوت انقلابی او از مردم و خلقهای روسیه، در سال گذشته دولت و ما حبان سرمایه قادر بودند اینطور خود را تسکین بخشند که انفجار لنا قابل پیش بینی نبوده است، و آنها نمیتوانسته اند به موقع در مقابل به ناسیج عملی آن تدارک دیده باشند، اما این بار سلطنت از خود احتیاط و بیش بینی های زیادی نشان داده بود، و برای تدارکات وقت زیادی داشت و "اقداماتی" که صورت گرفت بسیار "شدید" بودند، نتیجه آن شد که سلطنت تزاری عجز کامل خود را در رویارویی با بیداری انقلابی توده‌های پرولتاریا نشان ساخت.

براستی، یک سال مبارزه اعتصابی بعد از لنا نشان داده است علیرغم فیریا دهی رقت - انگیز لیبرالها و بله گویان آنها علیه "جنون بر - پا کردن اعتصاب"، علیه اعتصابات "سندیکا لیستی" و علیه ترکیب اعتصابات اقتصادی با سیاسی و بالکنس، علیرغم تمام اینها، این یکسال نشان داده است که اعتصابات چه ابزار عظیم و غیر قابل تعویضی برای تبلیغ در میان توده‌ها، برای برانگیختن آنها و برای کشاندن آنها به صفوف مبارزه‌ای که پرولتاریای سوسیال - دموکرات خود را در عمرا انقلابی برای آن مهیا میسازد، می باشد. اعتصاب توده‌ای - انقلابی لحظه‌ای به دشمن مجال آرامش و استراحت نداد، و همچنین ضربات مهلکی به کیف پول وی وارد آورد، و در مقابل انتظار جهانیان اعتبار سیاسی با مصلح دولت "قدرتمند" تزاری

و اخراج می کنند و از سوی دیگر از پیش به آنها امتیازاتی داده و به توقف کارها تن میدهند، از سوی دولت را تحریک می کنند که شدت عمل بیشتری از خود نشان دهد، و از سوی دیگر او را سرزنش نموده و خواستار آن میشوند که روز اول ماه مه روز تعطیل رسمی محسوب گردد.

اما گرچه ژاندارمها حداکثر انرژی را بخرج دادند، گرچه حتی مناطق صنعتی را "تصفیه" نمودند، گرچه حتی آنها از چپ و راست، بنا بر آخرین لیست افراد مشکوک "افراد دستگیر کردند، لیکن این اقدامات سودی نداشت. کارگران به خشم عا جزانه دارو دسته تزار و طبقه سرمایه داری خندیدند و "علامیه‌های تهدید - آمیز و رقت آور و شره‌دار را استهزا میکردند، آنها اشعار طنزآمیزی بردیوارها نوشته، به دیگران نقل میکردند و با در شریختن مینمودند، از جاهای نامعلومی، ناگهان بسته‌های تازه و کوچک "علامیه" یا چاپ بسیار بید، کوتاه و ساده اما بسیار آموزنده، بخش میکردید، که در آن دعوت به اعتماد به نظر اهرات شده بود، و شعارهای انقلابی قدیمی و بی برده سوسیال - دموکراتها را که در سال ۱۹۰۵ اولین تهاجم توده‌ها علیه حکومت مطلقه و سلطنت رارهبیری کرده بودند، به یاد مردم می آورد.

روز بعد مطبوعات رسمی دولت اعلام میکنند که یکمدهزار نفر در اول ماه مه اعتصاب کردند. روزنامه‌های بورژوازی با استفاده از اولین اطلاعات تلگراف شده، رقم یکم و بیست و پنج هزار نفر را گزارش میکنند. (کیفسکا یا میسل). یک مخبر ارگان مرکزی حزب سوسیال - دموکرات آلمان از سن پترزبورگ تعداد را یکم و پنجاه هزار نفر گزارش میدهد. و روز بعد تمام مطبوعات بورژوازی رقم دویست تا دویست و بیست هزار را نقل می کنند. در حقیقت تعداد اعتصابیون به دویست و پنجاه هزار نفر میرسد!

اما عدا از اعتصابیون اول ماه مه، آنچه بسیار ریزشکوتر - و بسیار اهمیت تراز آن بود - نظا هرات خیابانی انقلابی کارگران بود. در همه جا در اطراف و اکناف پایتخت انبوه جمعیت کارگران در حالیکه سرودهای انقلابی میخواندند، با صدای رسا خواهان انقلاب

یک سال از حادثه لنا، از اولین اعتصابات تعیین کننده در جنبش انقلابی طبقه کارگر از زمان کودتای سوم ژوئن میگذرد. باندهای سیاه تزار و زمینداران، انبوه مقامات رسمی و بورژوازی، سیمدمین سالگرد چپا ول، تهاجم اتاتاری و رسوایی روسیه بدست رومانف‌ها را جشن میگیرند. دوامی چهارم تشکیل گردیده و "کار خود را آغاز کرده است، هرچند که کمترین ایعانی به کار خود ندارد و دیگر داری آن تحرک ضد انقلابی گذشته نیز نمی باشد. سردرگمی و ملالت جا مع لیبرالها را فرا گرفته است، آنها با بی میلی دعوت به فراموش کردن در عین حال به غیر عملی بودن حتی چیزی نزدیک به فراموش نیز اذعان دارند.

و در این شرایط است که آکسیون اول ماه مه پرولتاریای روسیه بوقوع می پیوندد. آکسیون که برای نخستین بار در ریکا به تمرین گذاشته میشود و آنگاه در سن پترزبورگ، در اول ماه مه، به آکسیون قطعی مبدل میگردد. این آکسیون اتمسفر بسیار دل‌تنگ کننده و غمبار - آلوده را به یک طوفان عظیم و رعد آسا مبدل میسازد. وظایف مربوط به انقلاب نزدیک شونده با تمام عظمت آن به پیش می آید، و نیروهای طبقه پیشاز، در پیشا پیش سدها انقلابی قدیمی‌ای که اعدامهای جلادان و فرارهای دوست‌سازان نتوانسته آنها را مغلوب سازد و از اندازد، و در پیشا پیش میلیونها نفر از مردم نسل جدید دموکراتها و سوسیالیستها، با عزمی جزم‌آرامی متهورانه آنها را هدایت میکنند.

از هفته‌ها قبل از اول ماه مه، دولت نتوان اندیشیدن را از دست داده بود، و در همین حال رفتار آقا یان صاحب کارخانه‌ها چنان بود که گویی هرگز هیچگونه قدرت تفکری نداشته‌اند. مناطقی کارگری پایتخت با دستگیریها و پیگردنها زیرو رفته است. مناطق روستایی نیز چندان از مرکز عقب نمانده‌اند. ما حبان مستاصل کارخانه‌ها اعلام کنفرانس نموده و شعارهای متناقضی اتخاذ کرده‌اند، از سوی کارگران را تهدید به مجازات

زننده باد کمونیسم!

فقط بخشهایی از آزادی لریانند و پایه‌های عمارت را و نه فقط نمای بیرونی آن را و با فقط یک طبقه از آنرا تحت تاثیر قرار میدهد. جملات چرب و نرم لیبرالها و انحلال طلبان، بدبین مضمون که "شکر خدا که ما قانون اساسی داریم" و یا اینکه فرصتهای سیاسی در دست روز هستند (فقط تعداد قلیلی هستند که رابطه نزدیک این دو قضیه را درک نمی کنند)، تمامی این درازگویی‌های رفرمیست‌نامیتواند در واقعیت این امر، که هیچ انحلال طلبی و لیبرالیستی قادر نیست یک راه حل رفرمیستی معین برای خروج از این وضعیت نشان بدهد، تفسیری صورت دهد.

شرایط توده‌های روسیه، خراب تر شدن وضعیت آنها بدلیل سیاست جدید رضی (که زمینداران فئودال بعنوان آخرین حربه برای نجات خود بدان دست زده اند)، شرایط بین المللی، و ماهیت بحران سیاسی عمومی که در کشور شکل گرفته است - اینها مجموعه شرایط عینی ای می باشند که وضعیت روسیه را، بدلیل ناممکن بودن اجرای وظائف انقلاب بورژوازی از طریق طی مسیر فعلی و با ابزارهایی که دولت و طبقات استثماری در خدمت دارند، به یک وضعیت انقلابی تبدیل کرده است.

این چنین است وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، این چنین است مناسبات طبقاتی در روسیه که نوعی خاص از اعتماد را بوجود آورده که در اروپای مدرن غیرممکن است، و همه اقسام مرتدین ما یلند تا از آن نه انقلاب بورژوازی دیروز را (که از متن آن پرتوا انقلاب پرولتری فردا می درخشد) بلکه وضعیت "قانونی" روزی را الگو برداری کنند. نه مستوارده بر طبقات پاشینی و نه بحران در طبقات بالا نمیتوانند بدانقلاب منجر شوند، این عوامل فقط میتوانند یک کشور را به زوال و پوسیدگی بکشانند، مگر آنکه آن کشور را از یک طبقه انقلابی باشد که توان تبدیل کردن شرایط با سوظلم و مستور را به شرایط فعال قیام و انقلاب داشته باشد.

نقش یک طبقه واقعاً پیشتر از آن، طبقه‌ای که حقیقتاً قادر به برانگیختن توده‌ها برای انقلاب باشد، که واقعاً بتواند روسیه را از زوال برهانند پرولتاریای صنعتی ایفا میکند. این وظیفه‌ای است که پرولتاریا آن را با ابزار اعتماد به انقلابی اش، برآورده می‌سازد. این اعتماد به که لیبرالها از آن متنفرند و انحلال طلبان قادر به درک آن نیستند، (هما نظیر که قطعاً مه‌فوریه حزب کارگرو سوسیال - دموکرات روسیه بیسان میکند)، یکی از موثرترین ابزارها برای از بین بردن بی‌علاقگی و ناامیدی و بی‌تغرفه در میان پرولتاریای کشاورزی و دهقانان میباشد... و آن‌ها نیز به منظم‌ترین، هماهنگ‌ترین

این مشخات ویژه اعتماد به روسیه را که تمام از وضعیت انقلابی روسیه نشات میگیرد، درک کنند. دوره ضد انقلاب و زمینه‌های آزاد برای رشد روحیات مرتدان، بدنحال خود تعداد بسیاری از این گونه افراد را، حتی از میان کسانی که ما یلند خود را سوسیال - دموکرات بنا مننده بجای گذاشته است.

روسیه یک وضعیت انقلابی را تجربه میکند، چرا که ظلم و مستور آورده برای اکثریت مردم - نه فقط پرولتاریا، بلکه همچنین بر نه دهم تولید - کنندگان خرد، و بویژه دهقانان - به حد اعلا خود تشدید یافته، و این ستم بیش از حد، گرسنگی فقر، سلب آزادی، تحقیر مردم، با وضعیت نیروهای مولده روسیه، با سطح آگاهی طبقاتی و خواسته‌های توده‌های بی‌خاسته از سال ۱۹۰۵، و با شرایط موجود در کلیه کشورهای همجوار - و نه فقط اروپا بلکه آسیا نیز - به شکل غیر قابل انکاری، در تناقض قرار دارد.

اما این تمام ماجرا نیست. ظلم و مستور تنها بی‌هر قدر هم که وسیع باشد، نمیتواند در هر کشوری همیشه، به وضعیت انقلابی منجر گردد. در اغلب موارد برای انقلاب کافی نیست که طبقات پاشینی دیگر نخواهند که به ما نند گذشته زندگی کنند، بلکه همچنین لازم است که طبقات بالایی نیز قادر نباشند که به ما نند گذشته حاکمیت و فرمانروایی داشته باشند. این چیزی است که ما امروز در روسیه مشاهده می‌کنیم. در مقابل دیدگان ما، یک بحران انقلابی نضج میگیرد. بورژوازی هر چه در توان داشته است برای پشتیبانی از ضد انقلاب و برای تضمین "تکامل مسالمت آمیز"، بر این متن ضد - انقلابی، بکار برده است. بورژوازی به جلادان و اشراف فئودال هر چه پول خواسته اند پرداخت نموده است. بورژوازی به انقلاب ناسزا گفته و آنرا محکوم نمود، بورژوازی چکه‌های پوریشکویج و تازیانه‌ها را کوف دوم را لیسیده و مزدوران آن شد، بورژوازی شوریه‌های را که بر مبنای مجادلات "اروپائی" بود، تئوری‌های که انقلاب ۱۹۰۵ را بعنوان انقلاب "روشنفکرانه" محکوم کرده و آنرا شرارت آمیز، جنایتکارانه و خائنانه و قس علیه‌ها میخواند، تدوین نمود.

و با این حال، بورژوازی - از کار دتها گرفته تا اکتبر نیست - ها - علیرغم تمام گذشته‌های که از جیبش، از شرفش و مراش نمود، خود اذعان میکند که حکومت مطلقه و زمینداران قادر نبوده اند که تکامل مسالمت آمیز را تضمین نمایند، قادر نبوده اند شرایط اساسی برای "نظم" و "قانون" را که بدون آن یک کشور سرمایه‌داری نمیتواند در جوار آلمان و چین نو زیست نماید، ایجاد کنند.

یک بحران سیاسی سراسری در روسیه مشهود است. بحرانی که پایه‌های سیستم دولتی و نه

را به لجن کشانید. این اعتماد به بخش‌های بیشتر و بیشتر از کارگران را قاعد ساخت تا حداقل قسمت کوچکی از آنچه که در سال ۱۹۰۵ کسب کرده بودند مجدداً بدست آورند، و بخش‌های تازه‌ای، حتی عقب مانده‌ترین آنها را، به صفوف مبارزه بکشانند. این اعتماد به بخش‌های نظریه‌های کوتاه مدت بخود می‌گرفت و در عین حال زمینه را برای یک آکسیون آشکارا انقلابی - ترویسای چشمگیر تر توده‌ها در شکل نظهرات خیابانی آماده می‌ساخت.

در طی سال گذشته، هیچ کشوری در جهان، مشارکت این همه مردم را در اعتماد به برای اهداف سیاسی، با چنین استقامتی، با چنین ابعاد و پایداری‌هایی بهمانند روسیه بخود ندیده است. این شرایط، به تنهایی و بطور کاملی، بی‌ارزی و کودنی مضحک آن دسته از لیبرالها و انحلال طلبان پرمعدا را که سعی میکردند تا اکتیکهای کارگران روسیه در سالهای ۱۳ - ۱۹۱۲ را با مقایسه با دوره‌های مشروطه‌خواهی "اروپائی"، دوره‌هایی که اساساً به کار آگاهی و آموزش سوسیالیستی در میان توده‌ها اختصاص داشت، "تعدیل" نمایند، آشکار ساخت.

برتری عظیم اعتماد به روسیه بر اعتماد به کشورهای اروپائی حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای آن، به نشاننده کیفیتها و پایداری آنها، بلهنگه نمایانگر شرایط خاص روسیه روزی، وجود یک وضعیت* انقلابی و رشدیک بحران مستقیم انقلابی میباشد. زمانیکه لحظه‌ها مشابره شد انقلاب در اروپا فرارسد، (در آنجا یک انقلاب سوسیالیستی خواهد بود نه یک انقلاب بورژوا دموکراتیک مانند کشور ما)، پرولتاریای پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری، اعتماد به نظهرات و مبارزه مسلحانه بسیار گسترده‌تری علیه مدافعین برده‌داری مزدوری برآه خواهند دادند.

اعتماد به اول ماه مه سال، نظیر سلسله اعتماد به ۱۸ ماه گذشته در روسیه، دارای مشخات انقلابی بود که نوعاً آنرا نه فقط از اعتماد به اعتمادی معمولی بلکه از اعتماد به نظهراتی و از اعتماد به سیاسی که خواستار رفرمیتهای قانونی بودند - بعنوان مثال مانند آخرین اعتماد به بلژیک (۲) - نیز جدا می‌نمود. آنها‌هایی که در بندیک جهان بینی لیبرالی می‌باشند و دیگر قادر نیستند از یک دیدگاه انقلابی مسائل را بنگرند، به هیچ وجه ممکن، نخواهند توانست

* لنین در این متن دو کلمه Situation و State را بطور معادل در ترکیب "وضعیت انقلابی" بکار برده و هر دو را به همان مفهوم "وضعیت" بکار برده ایم. (مترجم)

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

و وسیعترین عملیات انقلابی می کشاند»

طبقه کارگر، توده های مردم زحمتکش و استعمار شده را، که از ابتدائی ترین حقوق خود محرومند و به یاس و ناامیدی گشاییده شده اند، به عملیات انقلابی سوق میدهد. طبقه کارگر به آنها مبارزه انقلابی را می آموزد، آنها را برای عملیات انقلابی تعلیم میدهد، و به آنها توضیح میدهد که در کجا راه خروج را جستجو کنند و چگونه به نجات دست یابند. طبقه کارگر صرفاً با حرف نیست که به آنها آموزش می دهد، بلکه در عمل و بوسیله نمونه ها این کار را انجام میدهد، و این نمونه ها، نه بوسیله ما چرا جوئیهای قهرمانان جدا از توده (منزوی)، بلکه بوسیله عملیات انقلابی توده ای که با خواسته های اقتصادی و سیاسی پیوند زده شده، بدست می آیند.

این ایده ها، حتی برای آن کارگران مادقی که تنها توانسته اند با نطفه های از تنبوری سوسیالیسم و دموکراسی آشنائی پیدا کنند، چقدر صریح، چقدر روشن و چقدر قابل لمس هستند، و چقدر آنها بیگانه هستند با خائنین به سوسیالیسم و با خائنین به دموکراسی که از میان روشنفکران برخاسته اند، کسانیکه به کار "زیرزمینی"، در روزنامه های انحلال طلبان ناسزا می گویند، آنرا استهزا میکنند، و به احقان بی خبر از همه جا چنین وانمود میکنند که آنها "همسویال دموکرات" هستند.

آکسیون اول ماه مه پرولتاریای سن پترزبورگ، که مورد پشتیبانی پرولتاریای سراسر روسیه قرار گرفت، به تمام می آنهائی که گوش شنوا و چشم بینا دارند، بوضوح و روشنی اهمیت عظیم تاریخی کار انقلابی زیرزمینی را در شرائط امروزی روسیه، نشان داد. تنها تشکیلات حزب سوسیال - دموکراتیک روسیه در سن پترزبورگ، کمیته سن پترزبورگ، حتی روزنامه های بورژوازی را نیز مجبوراً سخت اذعان کنند که پیش از آکسیون اول ماه مه، و همچنین در شب ۹ ژانویه، و در شب جشن سیمندین سالگرد رومانف و همچنین در چهارم آوریل (۳)، اعلامیه های این کمیته با رها و بارها در کارخانجات ظاهر شدند.

بخش این اعلامیه ها متضمن فداکاریهای نظمی بود، گاهی از اوقات، شکل ظاهری آنها بسیار ناپسندیدند، برخی از آنها، مثلاً اعلامیه دعوت به تظاهرات ۴ فوریه، صرفاً زمان و مکان تظاهرات را در شرح خط اعلام میکردند، و آشکاراً بطور سری و با شتاب زیاد با تاپ های گوناگون در چاپخانه های مختلف، تهیه شده بودند. ما اشخاصی داریم ("همچنین سوسیال دموکراتهای") که در برخورد با این شرائط کار "زیرزمینی"، به لبخندی تمسخرآمیز و کینه

رجوع کنید به همین چاپ، جلد ۱۸، ص ۴۵۷ (ناشر)

توزان و در حالیکه لبان نشان را بطور امانت آمیزی جمع کرده اند، سؤال می کنند "اگر مجموعه حزب به زیرزمین محدود شود، پس چه تعداد عضو خواهد داشت؟ دو بیست نفر؟ سیمندین شماره ۹۵، (۱۸۱) روزنامه لوج، ارگان مرتدان را که در سرفقاله اش در دفاع از آقای سدوف که شهادت تاسف باری دارد که سخنگوی انحلال طلبان باشد، این سخنان را نوشته، ببینید. این شماره لوج، ۵ روز پیش از آکسیون اول ماه مه در همان زمانیکه زیرزمینی ها مشغول تهیه اعلامیه ها بودند بیرون آمد.

آقایان دان، پتروسوف و شرکا، که اینگونه مواضع شرم آوری اتخاذ میکنند باید بدانند که هزاران نفر از پرولتاریا از همان آغاز سالهای ۱۹۰۳، و ۱۵ هزار نفر در سال ۱۹۰۷، در صفوف حزب متشکل بوده، و حتی در حال حاضر هزارها و دهها هزار کارگر بعنوان عضو هسته های زیرزمینی حزب کارگر سوسیال - دموکرات روسیه اعلامیه های زیرزمینی را چاپ و بخش میکنند. اما آقایان انحلال طلبان خوب میدانند که آنها تحت حمایت "قانونیست" استولسینین از شقیب قانونی بخاطر دروغهای شمشزکننده و "دهن کجی های" شمشزکننده ترشان به قیمت فدا کردن کار زیرزمینی، در امان هستند. ببینید این مردمان پست و ذل تا چه حد خود را از جنبش طبقه کارگر و از کار انقلابی بطور کلی جدا کرده اند! بگذارید که از معیار سنجش خود آنها، که عا مدام برای خوشایند لیبرالها تحریف شده، استفاده کنیم. برای یک لحظه در نظر بگیرید که فقط "دو بیست یا سیمندین" از کارگران درس - پترزبورگ در چاپ و بخش آن اعلامیه های زیرزمینی دست داشته اند.

نتیجه چیست؟ "دو بیست یا سیمد" کارگر، گل سرسید پرولتاریای سن پترزبورگ، کسانیکه نه فقط خود را سوسیال - دموکرات می نامند، بلکه سوسیال - دموکرات گونه عمل میکنند، کسانیکه محبوب و مورد احترام تمام طبقه کارگر روسیه می باشند، کسانیکه در باره یک "حزب بزرگ" و راجی نمی کنند، اما در واقعیت امر سازندگان تنها حزب زیرزمینی سوسیال - دموکرات موجود در روسیه میباشند، اینها کسانی هستند که اعلامیه های زیرزمینی را چاپ و بخش می کنند. اما انحلال طلبان لوج (تحت الحما به ما سورا استولسینین) به "دو بیست یا سیمد" نفر بودن آنها، به کار "زیرزمینی" و اهمیت "اغراق شده" آن و غیره، بی شرمانه می خندند.

وناگهان معجزه ای بوقوع می پیوندد! بنا بر تصمیم نیم دوجین از اعضای کمیسیون اجرایی کمیته سن پترزبورگ و با یک اعلامیه که به توسط "دو بیست یا سیمد" نفر چاپ و بخش میگردد - دو بیست و پنجاه هزار نفر ما نند یک پیکر واحد در سن پترزبورگ بهیا میخیزند.

در اعلامیه ها و سخنرانی های انقلابی، در مجمع و تظاهراتها، سخنی از یک "حزب علنی طبقه کارگر"، از "زادی اجتماع و با فرمهای دیگر از این قبیل، که لیبرالها با ظاهری فریبنده برای فریب مردم بکار می برند، در میان نیست. آنها از انقلاب بهمنها به تنها راه نجات سخن میگویند. آنها از جمهوری بعنوان تنها شعاری که برخلاف دروغهای لیبرالها در باره رفرم، بهیا نگرشغیرات لازم برای تضمین آزادی و بهیا نگر وجود نیروهای استکفا در ندادگانها نه بهیا خیزند و از آن دفاع کنند، سخن میگویند.

دو میلیون نفر از کمترین سن پترزبورگ دعوت به انقلاب را که در قلب تمام زحمتکشان و ستمدیدگان فرومی نشینند، می شنوند و می بینند، تمام شهروندان سن پترزبورگ از یک نمونه عینی و در مقیاس توده ای می بینند که تنها راه نجات چیست و گفتار دروغین لیبرالها در باره رفرم چه می باشد. هزاران نفر از واسطه های کارگری و صدها روزنامه بورژوازی که مجبور به گزارش آکسیون توده ای، هر چند بصورت سردم بریده، می باشند، اخبار کارگران را عتابات سرخشان پرولتاریای پایتخت را در سراسر روسیه پخش می کنند. چه دهقانان و چه آن بخش از دهقانانی که در ارتش خدمت می کنند، اخبار این اعتبار، خواسته های انقلابی کارگران، پیکار آنها برای جمهوری و برای مآذ زمینه های بزرگ برفع دهقانان را می شنوند. آرام آرام، ولی بطور مطمئن، اعتبارات انقلابی، توده های مردم را برمی انگیزد، آگاه میکند، بهیا میخیزاند و برای انقلاب متشکل می سازد.

"دو بیست یا سیمد" نفر از "افراد زیرزمینی" بهیا نگر منافع و نیازهای میلیونها و دهها میلیون انسان بوده، دلایل وضعیت نا هنجار آنان را گوشزد می کنند، چشمان آنان را به لزوم پیکار انقلابی باز میسازند، ایمان نشان را به انقلاب بسط میدهند، شعاری در دست را به آنها نشان میدهند، و این توده ها را از زیر نفوذ شعاری پرسرو صدا اما کاملاً توخالی فرمیستی بورژوازی بیرون می آورند. "دو یا سه" دوجین انحلال طلبان از میان روشنفکران، با استفاده از پولهای که از خارج و از تجار لیبرال جمع کرده اند، به گمراه کردن کارگران نا آگاه میپردازند، و شعاری بورژوازی را بمیان کارگران می برند.

اعتصاب اول ماه مه، به ما نند تمام اعتصابات انقلابی سالهای ۱۳ - ۱۹۱۲ - بخوبی سآردگاه را که در روسیه امروزی بوجود آمده است، نشان میدهد. اردوگاه جلاخان و زمینداران فئودال، سلطنت و پلیس مخفی، آنها جداگانه و وحشیگری ها را بکار برده اند، ولیکن در مقابل توده های طبقه کارگر عا جز گشته اند. اردوگاه بورژوازی؛ تمام آنها از کادتها گرفته تا اکتبر یستها،

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

توضیحات

۱- اشاره است به تظاهراتات اسلاوفیل که توسط عناصرناسیونالیست ارتجاعی در ۱۷، ۱۸ و ۲۸ مارس (۳۰ و ۳۱ مارس و ۶ آوریل) ۱۹۱۳ به مناسبت پیروزیهای صرب - بلغاربرترکها در طی جنگ اول بالکان، سازمان داده شده بود. ارتجاعیون تلاش داشتند که از مبارزه رها نشی بخش ملی خلقهای بالکان در جهت منافع توسعه طلبان، سیاستهای قدرت بزرگ تزاریسروس در خاور نزدیک استفا ده کنند.

۲- اعتمایی که در اینجا بدان اشاره میشود از ۱۴ آوریل تا ۲۴ آوریل (تقویم جدید) ۱۹۱۳، در بلژیک رخ داد. این یک اعتمابعمومی از طرف پرولتاریای بلژیک بوده که خواستار یک رفرم قانون اساسی - اعطاء حق رای همگانی - بودند. از میان بیش از یک میلیون کارگر بلژیکی، بین ۴۰۰/۰۰۰ تا ۵۰۰/۰۰۰ نفر در این اعتماب شرکت داشتند. گسترش اعتماب منظمادرپراودا گزارش شده، وفهرست کمکهای مالی کارگران روس به این اعتماب نیز چاپ میشود.

۳- ۴ آوریل ۱۹۱۳، اولین سالگرد تیراندازی به کارگران معادن طلائی لنا بود، که با اعتماب یک روزه کارگران سن پترزبورگ، وبا شرکت بیش از ۸۵۰۰۰ نفر از مردم، مشخص میشود.

انقلابی خویش را پیگیرانه طی میکند، مسیری که بجز آن هیچ راه دیگری برای نجات روسیه از زنده زنده بوسیدن و خفه شدن، وجود ندارد.

منتشره طبق متن سوسیال - دموکرات
مجموعه آثار لنین، جلد ۱۹ (انگلیسی)

سوسیال - دموکرات، شماره ۳۱
۱۵ (۲۸)، ژوئن ۱۹۱۳

فربا دمی زنده و ناله می کنند، دعوت به رفرم میکنند، و با این فکر که در روسیه رفرم ممکن میباشد خود را مسخره می کنند. اردوگاها انقلاب، تنها اردوگاهی که بیانگر منافع توده های ستمدیده می باشد.

تمام کار را بدشولوزیک، تمام کار سیاسی در این کمپ، تنها بوسیله سوسیال - دموکراتهای زیرزمینی، بوسیله کسانی که میدانند چگونه از کوچکترین امکان قانونی بهترین استفاده - ها را با رویه سوسیال - دموکراتیک بعمل آورند، و کسانیکه بطور جدائی ناپذیری به طبقه پیشتا ز، پرولتاریا، پیوند خورده اند، صورت میگیرد. هیچکس نمی تواند از قبل پیش بینی کند که طبقه پیشتا ز در رهبری توده ها در یک انقلاب پیروزمند موفق خواهد بود یا نه. اما این طبقه وظایف خود را انجام میدهد، و علیرغم تمام تزلزلات و غیابنشیهای لیبرالها و آنهایی که خود را "همسوسیال - دموکرات" میدانند، توده ها را در جهت آن راه حل رهبری می کند. تمام عناصر زنده و حیات سوسیالیسم روسی و دموکراسی روسیه، تنها از طریق نمونه پیگارا انقلابی پرولتاریا و در زیر هدایت آن، تعلیم می بینند. آکسیون اول ماه مه سال، به تمام سوسیالیان جهان نشان داد که پرولتاریای روسیه مسیر



کارگران جهان متحد شوید

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران